در قرون اولی تفکّر نما هر هنگام که آفتاب عنايت الهی از افق ظهور طالع شد ناس بر اعراض و اعتراض قيام نمودند و نفوسی که پيشوای خلق بودند لم يزل و لايزال ناس را از توجّه ببحر اعظم منع مينمودند خليل زمان را بفتوای علمای عصر بنار انداختند و کليم را بکذب و افترا نسبت دادند در روح تفکّر نما مع آنکه بکمال رأفت و شفقت ظاهر شد بشأنی بر ضد آن جوهر وجود و مالک غيب و شهود قيام نمودند که مقرّ سکون از برای خود نيافت در هر يوم بشطری توجّه فرمود و در محلّی ساکن شد در خاتم انبياء روح ما سواه فداه نظر نما که بعد از القای کلمه مبارکه توحيد از علمای اصنام و يهود بر آن سلطان وجود چه وارد شد لعمری ينوح القلم و يصيح الأشياء بما ورد عليه من الّذين نقضوا ميثاق اللّه و عهده و أنکروا برهانه و جادلوا بآياته کذلک نقصّ لک ما قضی من قبل لتکون من العارفين مظلوميّت انبيا و اصفيا و اوليای الهی را استماع نمودی تفکّر نما که سبب چه بود و علّت چه در هيچ عهد و عصری انبياء از شماتت اعداء و ظلم اشقياء و اعراض علماء که در لباس زهد و تقوی ظاهر بودند آسودگی نيافتند در ليالی و ايّام ببلايائی مبتلا بودند که جز علم حق جلّ جلاله احصا ننموده و نخواهد نمود حال در اين مظلوم ملاحظه کن مع آنکه بآيات بيّنات ظاهر شده و آنچه در ارض واقع گشته از قبل بکمال تصريح خبر داده و مع آنکه از اهل علم نبوده و بمدارس نرفته و مباحث نديده فنون و علوم ربّانيّه بمثابه غيث هاطل ما بين عباد نازل و جاری شده چگونه بر اعراض و اعتراض قيام نمودند اکثر ايّام در دست اعداء مبتلا و در آخر بظلم مبين در اين سجن عظيم ساکن انشاء اللّه ببصر حديد و قلب منير در آنچه از قبل و بعد ظاهر شده نظر نمائی و تفکّر کنی تا آگاه شوی بر آنچه اليوم اکثر خلق از آن غافلند انشاء اللّه از نفحات ايّام الهی محروم نمانی و از فيوضات نامتناهيه ممنوع نشوی از عنايت حق از بحر اعظم که اليوم باسم مالک قدم در عالم ظاهر است بياشامی و بر امر اللّه مثل جبل ثابت و راسخ و مستقيم مانی قل سبحانک يا من اعترف الأولياء بعجزهم عند ظهورات قدرتک و أقرّ الأصفيآء بفنائهم لدی بروزات أنوار شمس بقائک أسئَلک بالإسم الّذی به فتح باب السّمآء و انجذب الملأ الأعلی بأن تؤيّدنی علی خدمتک فی أيّامک و توفّقنی علی العمل بما أمرتنی به فی کتابک أی ربّ أنت تعلم ما عندی و لا أعلم ما عندک إنّک أنت العليم الخبير.